

## آثار فردی و اجتماعی گناه از دیدگاه قرآن

مهران جعفری<sup>۱</sup>، سید صادق ابطحیان<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد الهیات-علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج

### چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر؛ «بررسی آثار فردی و اجتماعی گناه از دیدگاه قرآن» می‌باشد. از آنجاکه هدف از خلقت انسان رسیدن به کمال و سعادت حقیقی او است و خداوند نیل به این سعادت را اطاعت از خودش قرار داده است و از طرفی نافرمانی و معصیت او گناه محسوب می‌شود و ارتکاب معاصی انسان را از این راه دور می‌سازد، شناخت انواع گناهان برای پرهیز از آنان ضروری می‌نماید و چون از طرف دیگر انسان به دلیل زمینه‌هایی از گناهان که در درون او و محیط پیرامونش وجود دارد و انگیزه برای مرتکب شدن آن‌ها برایش ایجاد می‌شود. شناخت آثار گناهان می‌تواند بزرگترین بازدارنده انسان از معاصی باشد و در نتیجه زمینه رسیدن او به کمال حقیقی را فراهم می‌سازد. در این تحقیق با هدف رسیدن به آثار دنیوی گناه پس از تعریف گناه و پژوهش در زمینه‌های فرهنگی، تربیتی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و روانی گناه به اخروی و دنیوی بودن آثار گناه اشاره شده است و سپس به طور تفصیلی درباره آثار دنیوی گناه بحث شده است که این آثار شامل؛ نزول بلا، قساوت قلب، تباهی دل، از بین بردن هوشیاری می‌باشد. در پایان اجمالی از راه درمان علمی و عملی گناه که از جمله آن تفکر در آثار گناه، یاد خداوند، خشکانیدن ریشه گناه و فاصله گرفتن از محیط گناهکار و راهکارها و نتایج تحقیق ارائه گردیده است. مطالبی که از منظر قرآن کریم و روایات و علوم روانشناسی در این تحقیق به آن اشاره می‌شود این است که گناه اثرات خود را خواهد گذاشت. گناه که به معنای چیزی است که دنباله دارد، یعنی دامن‌گیر انسان گناهکار خواهد شد، هر گناهی اثرات خود را می‌گذارد و تنها راه نجات از آن شناخت حضرت حق و جایگاه بندگی و توبه به درگاه او می‌باشد. از جمله گناهانی که انسان را به انحطاط می‌کشاند و او را زمین‌گیر می‌کند. بعضی از آن‌ها باعث می‌شود که دعا به هدف اجابت نرسد، گناه تأخیر نماز صبح، ریخته شدن خون شهید مظلوم. بعضی از گناهان باعث انحطاط ملت‌ها می‌شود، از جمله زنا و میگساری می‌باشد. بعضی گناهان سبب کوتاهی عمر می‌شوند و عمر انسان را کم کرده جوانمرد می‌شود؛ قطع رحم، عاق والدین، قسم دروغ از جمله این گناهان است. بعضی گناهان پرده‌داری می‌کند و آبروی انسان را می‌برد، خوردن شراب، عیب‌جویی، و خلاصه اینکه ملت‌هایی که به گناه افتاده اند طبق فرمایش قرآن کریم نابود شده اند و سبب انقراض آن‌ها شده است امید است خداوند همه ما را از این بلای عظیم حفظ کند.

**کلیدواژه‌ها:** گناه، معصیت، سیئه، جرم، خطیئه، فاحشه، قرآن، دنیا.

## مقدمه

بررسی گناه در آیات و اثرات آن در فرد و اجتماع باعث شناخت بیشتر این مُعضَل اجتماعی می‌باشد که بشر را به انحطاط و دوری از حقیقت خلقت می‌کشاند و هر کسی به نحوی می‌تواند با مسئولیتی که دارد دیگران را از خطر این فساد آگاه و از آن جلوگیری کند. به عنوان مثال استادی که آگاه به این مسائل می‌باشد می‌تواند شاگرد خود را که در منجلاب گناه وارد شده با درمان صحیح نجات دهد و یا پدر و مادری که فرزندان خود را غوطه ور در گناه می‌بینند می‌توانند با آگاهی و شناخت از گناه به فرزندان خود کمک کنند.

مسلماً شناخت عوامل و آثار گناهان در دوری از آن‌ها نقش بسیار مهمی دارد و نتیجه دوری از گناهان علاوه بر سعادت فردی، داشتن جامعه ای سالم و متعالی و مناسب برای رشد انسانها خواهد بود و شاید به جرأت می‌توان گفت: با رشد و تعالی در زمینه ی اخلاق بسیاری از معضلات اجتماع حتی مشکلات اقتصادی حل می‌شود.

در واقع مصونیت از خسران به سبب ایمان است که در عرصه عمل به صورت عمل صالح و ترک معصیت خود را نشان می‌دهد و البته گمراهی یک انسان و سقوط او در ورطه گناه و بزهکاری بر سرنوشت جامعه تأثیر گذار است.

آیاتی از قرآن دلالت بر رابطه گناه و رزق حرام و ضلالت و گمراهی افراد دارد که عاقبت این گمراهی و انحراف از حقیقت کفیری است که خداوند برای آن‌ها در نظر گرفته است و بد عاقبتی است عاقبت کسانی که نشانه های او را نادیده بگیرند و با کتمان آنچه خداوند نازل کرده است، درآمد ناچیزی کسب نمایند که خداوند درباره این گروه می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا»؛ آنان که اموال یتیمان را به ستمگری می‌خورند، در حقیقت آن‌ها در شکم خود آتش جهنم فرو می‌برند و به زودی در آتش فروزان خواهند افتاد» (نقل از فرنام و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۲).

از نظر پیشوایان اسلام، بیماری گناه مولود انحراف و جدا شدن از پناهگاه ایمان به خداست؛ و داروی آن نیز توجه و بازگشت به سوی همین پناهگاه است. چنانچه گفته شد اسلام در درجه اول تمام اعمال مردم را بر ایمان به خدا پایه گذاری کرده است و شرط قبول شدن اعمال را همان ایمان به خدا و اعتقاد به روز جزا می‌داند و با تقویت این پایگاه مهم، در هر مشکلی پیروان خود را به همان پناهگاه می‌برد و با همان نیروی عظیم، همه گرفتاری و نگرانی‌ها را رفع می‌کند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد/ ۲۸)؛ آنان که ایمان آوردند و دل‌هایشان به یاد خدا آرامش می‌یابد که تنها به یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد. به گفته مفسران جمله «وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ» عطف تفسیری به جمله «الَّذِينَ آمَنُوا» است؛ یعنی ایمان به خدا ملازم آرامش دل است. اسلام در ابتدای امر برای برطرف کردن یأس و ناامیدی گناهکار او را به رحمت حق و آمرزش گناه امیدوار ساخته و می‌فرماید: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا» (زمر/ ۵۳)؛ بگو ای بندگان من که نسبت به خویشتن تندروی و گناه کردید! از رحمت خدا نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌بخشد. علی (علیه السلام) به فرزندش می‌فرماید: «وَأَرْجُ اللَّهَ رَجَاءً أَنْكَ لَوْ أَتَيْتَهُ بِسَيِّئَاتِ أَهْلِ الْأَرْضِ غَفَّرَهَا لَكَ» (ورام، ج ۱: ۵۰)، به خداوند چنان امیدوار باش که اگر با گناهان همه اهل زمین در پیشگاه او حاضر شوی تو را ببخشد.

با بررسی آیات و روایات به این نتیجه می‌رسیم که بسیاری از مشکلات در زندگی، متأثر از معصیت الهی است و افراد، بدون در نظر گرفتن این مهم، فرد یا جامعه را مقصر مشکلات خویش می‌پندارند. علت این پندار، آن است که در برخی موارد، رابطه گناه با مصیبتی که از آن ناشی می‌شود، کم و بیش قابل درک است؛ اما در بسیاری موارد، محسوس نیست و شخص، دنبال علت دیگری می‌گردد.

انسان اگر توجه به آفات روحی و جسمی خود نکند عنصری خطرناک خواهد شد. ولی اگر با توجه و دقت مراقب باشد فردی وارسته خواهد گردید. آفات و آسیب‌ها در مورد انسان همان عیوب و گناهان است که تمام انبیاء و کتابهای آسمانی بشر را از آلودگی به آن برحذر داشتند و با هشدار تأکیدات خود، انسانها را به پاکی و اجتناب از گناه دعوت نموده‌اند. شناخت انواع و

عوامل، آثار و مجازات گناهان در دوری از آن‌ها عامل بسیار مهمی است و نتیجه دوری از گناهان علاوه بر سعادت فردی داشتن جامعه ای سالم و متعالی و مناسب برای رشد انسانها خواهد بود. اگر متوجه بشویم که علت همه مشکلات ما ناشی از ارتکاب گناه است تصمیم ما برای ترک گناهان دوچندان می‌شود. لذا این تحقیق در صدد است که به آثار فردی و اجتماعی گناه از دیدگاه قرآن بپردازد، به امید اینکه جامعه ما از لوث گناهان پاک شود. هدف ما در این مقاله شناخت آثار فردی و اجتماعی گناه از دیدگاه قرآن است.

### پیشینه موضوع تحقیق

با توجه به مطالعاتی که انجام شده یک پژوهش با عنوان گناه و آثار آن انجام شده است و کتاب هایی با موضوع کیفر گناه و عواقب خطرناک آن از سید هاشم رسولی محلاتی، آثار گناهان از سهراب همت پور، گناه شناسی از محسن قرائتی و ... مورد استفاده قرار گرفته و کتاب های روایتی از جمله اصول کافی، غررالحکم، بحارالانوار مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین کتاب های بسیاری درباره این موضوع نوشته شده است چرا که هر چه موضوع حساس تر باشد عملکردها در مورد آن وسیع تر است. گناهان کبیره علامه میلانی، البکاء الحسین (ع) مرحوم میرجهانی، گناهان زبان در حکایات و روایات معصومه بیگم آزر می، ابلیس نامه محسن غفاری، دو ریشه فساد و غیبت و دروغ اکبر صادقی، نگاهی به حق الناس محمود اکبری، منازل الاخره مرحوم شیخ عباس قمی، و گناهان کبیره شهید دستغیب. به عقیده اینجانب علمای بزرگوار زحمات زیادی در تدوین این موضوع کشیده اند اما در این عصر نیاز جدیدی احساس می‌شود چون خطر گناه ندانستن خیلی از گناهان تهدید بزرگی برای مسلمان و دیگر جوامع می‌باشد و مجال دیگری برای بیان آن می‌باشد. مولوی حاجی آقا در سال (۱۳۸۶)؛ کتابی با عنوان؛ «آثار فردی و اجتماعی گناه از دیدگاه قرآن کریم و روایات» تألیف کرده است. مؤلف این کتاب را در پنج بخش تنظیم کرده است و محوریت مطالب آن بیان انگیزه ها و آثار فردی و اجتماعی گناه و عوامل آموزش گناه است. محوریت مطالب آن بیان انگیزه‌ها و آثار فردی و اجتماعی گناه و عوامل آموزش گناه است. در بخش نخست؛ تعریف لغوی و اصطلاحی واژه‌هایی چون اثم، ذنب و جناح و نیز کاربرد هر یک در قرآن و روایات مورد بررسی قرار گرفته است.

در بخش دوم؛ از ریشه‌ها و زمینه‌های درونی و بیرونی گناه سخن گفته شده، در بخش سوم؛ نیز نویسنده تأثیر جسمانی و روانی آب و هوا را به عنوان ملاک‌ها و معیارهای گناهان کبیره توضیح داده و سپس به معرفی برخی از گناهان کبیره می‌پردازد.

در بخش چهارم از فقر، قساوت قلب و ناامیدی به عنوان برخی از آثار فردی گناه و از خواری و ذلت در جامعه و نیز سلب اعتماد جامعه از گناهکار به عنوان بعضی از آثار اجتماعی گناه یاد شده است. همچنین عوامل آموزش گناهان در مؤلفه‌های توبه، شفاعت، اعمال صالح و اجتناب از گناهان کبیره در بخش پایانی این کتاب تشریح می‌شود.

قیومی، در مقاله ای به «آثار گناره در زندگی» و گناهان و تأثیراتش را مورد تحقیق قرار داده و به این نتیجه دست یافته که گناه چیست؟ با ما چه می‌کند؟ چه ضربه ای به جسم و روان انسان وارد می‌کند؟ راه از بردن و حذف گناه تا حد امکان چیست؟ آیا گناهکار راه بازگشتی دارد؟ راهکار لازم برای اینکه انسان بتواند ایمان خود را حفظ کند و عبارتی خود را بدور از گناه نگه دارد. توبه و استغفار را معنا کنیم و راه های صحیح توبه و نحوه پذیرش استغفار همراه با روایات نقل شده از پیامبر (ص) و ائمه معصوم (ع)، پرداخته است.

امامی لنگرودی (۱۳۹۲)، تحقیقی با عنوان «آثار مشترک گناه از منظر آیات و روایات» انجام داد. در این تحقیق آثار مخرب گناه مورد بررسی قرار گرفته که ابعاد مختلف این موضوع از جمله اثرات لغزش در دنیا و آخرت تبیین شده است. همچنین به آثار فردی و اجتماعی گناه در دنیا و آخرت پرداخته و گناه را دارای اثرات زیادی بر جسم و روان انسان دانسته و مضرات گناه بر شخص گناهکار مورد بررسی قرار داده است. محقق به این نتیجه رسیده که گناه در عالم وجود بر همه موجودات بویژه انسان، اثرات مخربی دارد و می‌تواند سعادت انسان را در دنیا و آخرت مورد خدشه قرار دهد و هر مشکلی که در اجتماع وجود دارد، از گناه ناشی می‌شود.

## تحقیق

روش انجام این تحقیق توصیفی و تحلیلی و با توجه به اینکه این موضوع از موضوعات اخلاقی است، ابتدا منابع مختلف در این زمینه بررسی می‌شود که بهترین منابع برای این تحقیق، قرآن، کتاب‌های مرجع و کتاب‌های اخلاقی می‌باشد. در این تحقیق از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است و سپس به پاسخگویی به سؤالات و فرضیه‌ها با توجه به آنچه از منابع جمع‌آوری و بررسی شده پرداخته می‌شود.

## مبانی نظری

### تعریف گناه

گناه در زبان فارسی به معنای بزه، جرم، خطا، نافرمانی و مانند آن به کار رفته و در زبان عربی از آن به (ذنب) (إثم) (معصیت) تعبیر شده است. معنایی که از مجموع آن‌ها بر می‌آید و جامع همه معانی است همان نافرمانی و انجام عملی بر خلاف قانون و یا سرپیچی از قانون است و یا بنا بر نظر عده‌ای، گناه هر کاری را شامل می‌شود که انجام آن ناروا باشد. گناه در پیش اهل شرع نیز عبارتست از اینکه مکلف، امری نامشروع مرتکب گردد. در اسلام هر کاری برخلاف فرمان خداوند باشد، گناه محسوب می‌شود. گناه هر چند کوچک باشد چون نافرمانی خداست، بزرگ است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در سخنی به ابودر فرمودند: « لَا تَنْظُرُوا إِلَى صِغَرِ الذَّنْبِ وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَى مَنْ اجْتَرَأْتُمْ » کوچک‌گی گناه را ننگر، بلکه بنگر چه کسی را نافرمانی می‌کنی (محمدی ری شهری، ۱۳۸۸، ج ۴: ۲۷۶).

### حقیقت گناه و ناسازگاری با نظام خلقت

براساس نگاه کلامی فلسفی، وقتی خداوند متعال مبدأ همه‌ی موجودات و خالق همه‌ی قوانین حاکم بر هستی است و هیچ موجودی در عالم بر خلاف میل و اراده‌ی الهی حرکت نمی‌کند، حرکت استثنایی انسان و جن که خداوند به آن‌ها اختیار عطا کرده است، در هنگام نافرمانی، تنها حرکت خلاف نظام حاکم بر هستی است. اگر خداوند حکیم و رحیم است و جهان را براساس صفات و اسماء مبارک خود اداره می‌کند، پس تحقق اراده‌ی خلاف اراده‌ی حق، باطل است و موجب فساد و به هم ریختن نظم عالم. قرآن کریم آسمان و زمین و ستارگان را مطیع فرمان الهی می‌داند (فصلت/۱۱-۱۳). از این رو در کتال تدوین الهی، گناهان بشر را موجب پیدایش فساد و آشوب در خشکی و دریا می‌شمارد: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (روم/۴۱). فساد، در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است؛ خدا می‌خواهد نتیجه‌ی بعضی از اعمال شان را به آنان بچشاند، شاید (به سوی حق) بازگردند. «باء» در «بما کسبت» بآ سببیت است؛ یعنی سبب اعمال انسان‌ها (طباطبایی، ۱۴۰۲، ج ۱۶، ص ۱۹۶).

کما این که ایمان و تقوا موجب نزول برکات آسمان و زمین می‌شود: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف/۹۶-۹۸)؛ و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم؛ ولی (آن‌ها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آن‌ها را به کیفر اعمال شان مجازات کردیم. آیا اهل این آبادی‌ها، از این ایمنند که عذاب ما شبانه به سراغ آن‌ها بیاید، در حالی که در خواب باشند؟! آیا اهل این آبادی‌ها، از این ایمنند که عذاب ما هنگام روز به سراغ شان بیاید در حالی که سرگرم بازی هستند؟!».

«برکات» به معنای هر چیز کثیری از قبیل امنیت، آسایش، سلامتی، مال و اولاد است که غالباً انسان با نبود آن‌ها مورد آزمایش قرار می‌گیرد.

در جمله؛ «لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»، استعاره به کنایه به کار رفته، برای این که برکات را به مجرای تشبیه کرده که نعمت‌های الهی از آن مجرا بر آدمیان جریان می‌یابد، باران و برف هر کدام در موقع مناسب و به مقدار نافع می‌بارد، هوا در موقعش گرم و در موقعش سرد شده و در نتیجه‌ی غلات و میوه‌ها فراوان می‌شود و این برکات

مسبب و ناشی از ایمان و تقوای مردم است (طباطبایی، ۱۴۰۲، ج ۸، ص ۲۰۱)، البته این زمانی است که مردم به خدای خود ایمان آورده و تقوا پیشه کنند و گرنه این جریان‌ش بسته و قطع می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۵۵).

### آثار دنیوی و اخروی گناه در قرآن

در قرآن ده‌ها آیه پیرامون آثار و کیفر گناه آمده و در این جا به ذکر چند نمونه می‌پردازیم.  
*ابتدا آیات مربوط به کیفر در دنیا*

الف. در آیه ی ۵۹ بقره خداوند می‌فرماید: «پس به ستمگران به خاطر فسق و نافرمانی، عذابی از آسمان فرستادیم». در جای دیگر می‌فرماید: «خداوند می‌خواهد آن‌ها را به پاره‌ای از گناهانشان مجازات کند». (مائده/۴۹)؛ «آن‌ها را به خاطر گناهانشان نابود ساختیم» (انعام/۶). «آن‌ها را به کیفر اعمال‌شان مجازات کردیم» (اعراف/۹۶). «این خانه‌های آن‌هاست که به خاطر ظلم و ستم‌شان خالی مانده است» (نمل/۵۲). «آن‌ها به خاطر گناهانشان، غرق شدند» (نوح، ۳۵). «آن‌ها (قوم ثمود) را به خاطر گناهانشان در هم کوبید و سرزمین‌شان را صاف و مسطح کرد» (شمس/۱۴). «خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی‌دهد، مگر آن‌که آن‌ها خود را تغییر دهند» (رعد، ۱۱). «چنین نیست که آن‌ها می‌پندارند، بلکه اعمال‌شان همانند زنگاری بر دل‌هایشان نشسته است» (مطففین/۱۴)؛ «و هر گرفتاری که به شما رسد، به خاطر اعمالی است که انجام داده‌اید و بسیاری را نیز عفو می‌کند» (شوری/۳۰).

#### *آثار گناه در آخرت*

ب) «آنان که اعمال بدی انجام دهند، به رو در آتش افکنده می‌شوند، آیا جزائی جز آن‌که عمل می‌کردید، خواهید داشت» (نمل/۹۰). «و هر کس نافرمانی خدا و رسولش کند، آتش دوزخ از آن اوست، جاودانه در آن می‌مانند» (جن/۲۳)؛ «گناه‌کار دوست می‌دارد که فرزندان خود را در برابر عذاب آن روز فدا کند - و نیز همسر و برادرش را - و قبیله‌اش را که همیشه از او حمایت می‌کردند - و تمام مردم روی زمین را تا مایه‌ی نجاتش شود؛ اما هرگز چنین نیست، شعله‌های سوزان آتش است که دست و پا و پوست سر را می‌کند و می‌برد» (معارج/۱۱-۱۶). همان‌طور که ملاحظه می‌شود در آیات متعددی نتایج دنیوی و اخروی گناهان انسان ذکر شده است. پس آن‌چه انسان در دنیا از اعمال خوب و بد می‌کارد، بدون شک ثمراتی دارد که نتایج بی‌چون و چرای اعمال اوست.

### زمینه‌های پیدایش گناه

در «گناه‌شناسی» از موضوعات بسیار مهم، شناخت «زمینه‌های گناه» است؛ چنانکه گفته‌اند: قابلیت قابل، اصل مهم برای تهذیب نفوس است.

باران که در لطافت طبعش خلاف نیست در باغ، لاله روید و در شوره‌زار، خَس

کسی که می‌خواهد گناه نکند حتماً باید به زمینه‌های گناه توجه کند، وقتی آن‌ها را شناخت به پیشگیری و درمان آنان بپردازد.

کمبود ویتامین‌ها در بدن، انسان را آماده پذیرش میکروب‌ها می‌کند و یا بیماری‌ها را پرورش و گسترش می‌دهد، پس باید این کمبودها جبران گردد تا زمینه پذیرش و همچنین زمینه پرورش بیماری‌ها از بین برود؛ بنابراین باید «زمینه‌شناسی و زمینه‌زدا» باشیم؛ مثلاً اگر در منزل چاه فاضلابی زمینه‌ساز انواع پشه‌ها می‌باشد سمپاشی بیهوده است باید چاه را پر کرد. پس در مورد مبارزه با گناهان هم باید زمینه‌های آن را شناخت و موارد را از بین برد (قرائتی، ۱۳۶۹).

در اینجا به چند موضوع مهمتر در این رابطه پرداخته می‌شود که هر کدام به نحوی زمینه ساز پیدایش گناه هستند مانند:

- ۱- زمینه‌های فرهنگی و تربیتی ۲- زمینه‌های اقتصادی ۳- زمینه‌های اجتماعی ۴- زمینه‌های روانی
- ۵- زمینه‌های سیاسی.

### زمینه‌های فرهنگی و تربیتی

جهل و حماقت، زمینه گناه را در انسان به وجود می‌آورد و او را به سوی گناه می‌کشاند. جهل به خدا، جهل به آثار گناه، جهل به هدف آفرینش، جهل به نوامیس خلقت. در دوران جاهلیت که گناهان گوناگون سراسر زندگی مردم را گرفته بود، بیشتر بر اثر جهل و حماقت بود. انسان هنگامی از آلودگی‌ها و گناهان مختلف نجات می‌یابد که در پرتو قانون کامل زندگی کند، قانون کامل قانونی است که تمام ویژگی‌های ساختار انسان را مورد توجه قرار دهد و آنچه را که موجب تکامل بشر است. باعث رستگاری و نجات او از انحرافات است تأمین نماید. چنین قانونی جز قانون الهی نخواهد بود. امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می‌فرماید: «أَمَا وَقَعَ الْفِتْنُ أَهْوَاءُ تُتَّبَعُ، وَ أَحْكَامُ تُبْتَدَعُ، يُخَالِفُ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ»؛ همواره پیدایش فتنه‌ها، پیروی از هوس همواره پیدایش فتنه‌ها، پیروی از هوس‌های آلوده و احکام و قوانین مجهول و اختراعی است (مانند قوانین بشری) احکامی که با احکام خدا مخالفت دارد (شریف رضی، بی تا، خ ۵۰).

یکی از عوامل فرهنگی زمینه ساز گناه، مسئله التقاط و تحریف قانون الهی است، التقاط و تحریف همانطور که از نامش مشخص است، عبارت از آن است که قانون الهی را تغییر داده و دستکاری کنند، مقداری از قوانین بشری را داخل آن کرده و معجونی از دو قانون یعنی قانون الهی و قانون بشری درست کنند. (که سر از بدعت و دین سازی بیرون می‌آورد) و آن را به عنوان قانون خدا معرفی نمایند. حضرت علی -علیه السلام- در گفتاری می‌فرماید: اگر باطل کاملاً از حق جدا می‌شود، بر جویندگان حقیقت، پوشیده نمی‌ماند، و حق از باطل، خالص و جدا می‌شود زبان دشمنان (از بدگویی به حق) قطع می‌گردد. «وَلَكِنْ يُوْخَذُ مِنْ هَذَا ضِعْفًا وَ مِنْ هَذَا ضِعْفًا فَلَا مَزَّجَانِ، فَهَذَا لِكَيْ يَشْتَوِيَ الشَّيْطَانُ عَلَيَّ أَوْلِيَانَهُ»؛ ولی قسمتی از باطل را می‌گیرند و به هم می‌آمیزند، اینجاست که شیطان بر دوست خود چیره می‌شود.

اسلام، دین آزادی فکر است و تحمیل عقیده و فشار، در اسلام نیست. مطالعه کتاب‌های گمراه کننده، برای دانشمندان که توان فکری و قدرت تحقیق و بررسی دارند اشکال ندارد، چرا که آن‌ها با مطالعه و تحقیق، مطالب حق و باطل را از یکدیگر تشخیص می‌دهند. ولی مطالعه این کتاب‌ها و یا شنیدن گفتار گمراه گر برای افرادی که فکر ناتوان و دانش اندک دارند، مسموم کننده و خطرناک است و چنانکه در تاریخ دیده می‌شود یکی از کارهای دشمنان در مقابله با آیین‌های حق، از همین طریق بود. آن‌ها با انتشار کتب گمراه گر، مردم را از حق بازداشته و به سوی باطل می‌کشاندند. امام جواد -علیه السلام- فرمود: «مَنْ أَصْغَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ فَإِنَّ كَانَ النَّاطِقُ عَنِ اللَّهِ فَقَدْ عَبَدَ اللَّهَ وَ إِنْ كَانَ النَّاطِقُ يَنْطِقُ عَنِ لِسَانِ إِبْلِيسَ فَقَدْ عَبَدَ الْإِبْلِيسَ»؛ (حرانی، ۱۴۰۴: ۳۳۶). کسی که به گفتار گوینده اش گوش فرا دهد، او را پرستش کرده است؛ بنابراین اگر گوینده از خدا و دستورات او سخن می‌گوید، شنونده او که خدا را عبادت کرده، و اگر از شیطان سخن می‌گوید، شنونده او شیطان را عبادت نموده است».

در مسائل تربیتی و فرهنگی، یکی از عوامل زمینه ساز، تلقین و تقلید است که اگر شایسته و بر اساس صحیح باشد زمینه ساز کارهای نیک می‌گردند و گرنه زمینه ساز گناه می‌شوند. در قرآن بعضی از کلمات و عبارات به تعداد زیاد تکرار شده است و این تکرار علاوه بر فواید دیگر، یک نوع تلقین و زمینه توجه بشر به این عناوین می‌باشد. چنان که واژه «الله» در قرآن تکرار شده است یا جمله؛ «إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره/ ۲۰، ۱۰۹ و ۱۴۸). خداوند بر همه چیز تواناست». چهل و پنج بار، در سوره «الرحمن» که در مکه نازل شد و ۷۸ آیه دارد، جمله ی «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» پس کدام نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟» ۳۱ بار، در سوره «مرسلات» آیه ی «وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ؛ وَ أَىٰ ذُنُوبِهِمْ يَوْمَئِذٍ تُكَدِّرُ» بر تکریب کنندگان» ۱۰ بار و در سوره «قمر» آیه ی «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ؛ مَا قرآن را برای یادآوری آسان کردیم، آیا کسی هست که متذکر شود؟» ۴ بار تکرار شده است. این تکرارها بیشتر جنبه تلقینی دارد و برای این است که گوش جان این امور را بارها بشنود و این مطالب در اعماق جان نقش ببندد (قمی، ۱۳۷۴: ج ۲/ ۴۷۴).

### زمینه‌های اقتصادی گناه

گاهی امور اقتصادی، زمینه ساز گناه می‌شود، و زمینه‌های اقتصادی گناه بر دو گونه است:

۱- سرمایه و ثروت زمینه ساز گناه می‌شود.

۲- فقر و تهیدستی، زمینه سازی گناه می گردد.

گاهی انسان از بی پولی، طغیان می کند، و گاهی بر اثر ثروت زیاد و بادآورده، طغیان می نماید. آیات و روایات، در این باره، بسیار است، که چند نمونه ذکر خواهد شد، ولی در آغاز باید توجه داشت، سخن ما این است که سرمایه و ثروت، گاهی زمینه ساز فساد و گناه می شود، نه اینکه دلیل فساد و گناه باشد. همان گونه که کمونیست ها می گویند، و فرق است بین زمینه و دلیل، به عبارت روشن تر، سرمایه، علت گناه نیست، بلکه در مواردی انسان را متمایل و مشتاق گناه می کند. « إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ » (علق / ۶)؛ و مسلماً انسان، طغیان می کند، بخاطر اینکه خود را بی نیاز می بیند. این آیه نمی گوید که سرمایه وبی نیازی علت و عامل فساد است بلکه می گوید: اگر انسان خودش را بی نیاز و پولدار ببیند، یاغی می شود. ولی اگر این دید و بینش را نداشته باشد، سرمایه، علت فساد نخواهد شد.

### زمینه های اجتماعی گناه

در راستای زمینه های اجتماعی گناه می توان امور زیر را مورد بررسی قرار داد:

- ۱- محیط سالم و فاسد
- ۲- رهبران گمراه
- ۳- همنشین و دوستان بد
- ۴- محرومیت ها و وازدگی های اجتماعی

### زمینه های روانی گناه

یکی از زمینه های گناه زمینه های روانی است، که انسان بر اثر فشارها و رنج های مصنوعی و کاذب یا بر اثر اعتقادات ناصحیح، دارای عقده و یا حالت و روحیه بدی می شود و همین پدیده روانی، زمینه ساز گناهان مختلف خواهد گردید. سختگیری های نابجا، و فشارهای ناصحیح، و تن دادن به ذلت و خواری و یا تحقیر افراد بجای تشویق و امور دیگر، انسان را عقده ای بار می آورد وقتی انسان حالت عقده ای پیدا کرد، در وجود او زمینه ی مساعدی برای پذیرش گناهان خطرناک است. برای توضیح و تجزیه و تحلیل این موضوع، باید امور زیر مورد توجه قرار گیرد:

- ۱- شخصیت و عزت انسان
- ۲- تحقیر و سرکوبی شخصیت انسان
- ۳- فشارهای اقتصادی و سرکوبی غرایز
- ۴- امید و آرزوی کاذب و بیهوده (قرائتی، ۱۳۹۰: ۱۳۰).

### زمینه های سیاسی گناه

یکی از زمینه های گناه که موجب گناهان مختلف و گاهی گناهان بزرگ می شود، زمینه های سیاسی است که بیشتر به کارگزاران و مسئولین مربوط می شود.

«وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْعَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ - وَ إِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ» (بقره، ۲۰۵ و ۲۰۶).

از نشانه های منافقان این است: هنگامی که حاکم و رئیس می شوند در راه فساد در زمین، کوشش می کنند و زراعتها و نسل ها را نابود می سازند، خداوند فساد را دوست ندارد. هنگامی که به آن ها گفته شد، از خدا بترسید، لجاجت و غرور، آن ها را به گناه می کشاند، آتش برای آن ها کافی است و چه بد جایگاهی است.

پیامبران بدون شک، بشر بودند هنگامی که در طوفانی ترین حالات قرار می گرفتند، همان حالتی که کارد به استخوان شان می رسید و تمام درها ظاهراً به روی آن ها بسته می شد و هیچ راه گشایشی به نظر نمی رسید، و ضربات طوفان های حوادث پیوسته آن ها را درهم می کوبید و فریاد مؤمنانی که کاسه صبرشان لبریز شده بود مرتباً در گوش آن ها نواخته می شد، آری در

این حالت در یک لحظه ناپایدار به مقتضای طبع بشری این فکر، بی‌اختیار به مغز آن‌ها می‌افتاد که نکند وعده پیروزی خلاف از آب درآید!

یا اینکه ممکن است وعده پیروزی مشروط به شرائطی باشد که حاصل نشده باشد، اما بزودی بر این فکر پیروز می‌شدند و آن را از صفحه خاطر دور می‌کردند و برق امید در دل آن‌ها می‌درخشید و به دنبال آن، طلائع پیروزی آشکار می‌شد (قرائتی، ۱۳۹۰: ۱۳۶).

### آثار اجتماعی گناه

آنچه از قرآن و فرموده‌های معصومان به ما رسیده، آن است که حتی آثار گناهان فردی، جامعه را نیز در برمی‌گیرد. استاد شهید مطهری؛ در تبیین اثر گناه فرد بر جامعه می‌فرماید:

«اجتماع روی فرد اثر می‌گذارد و فرد روی اجتماع. واقعاً مجموعش یک واحد است، خودش روح دارد، عمر دارد. این، یک مطلب عجیبی است که البته کسی که این را خوب استنباط کرده و پرورانده است، علامه طباطبایی است. ایشان در کمال وضوح از قرآن استنباط می‌کند که قرآن برای اجتماع، شخصیت قائل است. برای اجتماع عمر قائل است: «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ» (اعراف / ۳۴). «همچنین، برای اجتماع، بیماری و سلامت قائل است، برای اجتماع سعادت و شقاوت قائل است، برای اجتماع شرکت در مسئولیت قائل است».

گاهی افرادی می‌پرسند چرا اگر [اکثریت] یک قومی گناه کرده اند، اقلیت صالحی هم که در میان آن قوم است به عذاب آن قوم معذب می‌شوند؟ نمی‌دانند که افراد اجتماع، حکم اعضای یک پیکر را دارند. وقتی که در عضوی از یک پیکر سرطان پیدا بشود، اعضای دیگر نمی‌توانند بگویند چرا ما هم باید از بین برویم. به همان دلیل که شما با یکدیگر اتصال و هم‌ریشگی و پیوند دارید و به همان دلیل که از سعادت او بهره‌مند هستید، به همان دلیل از بدبختی او هم باید در اجتماع متضرر باشید. فقط آن دنیا است که دنیای جدایی است. در این دنیا افراد اجتماع واقعاً به یکدیگر متصل‌اند و واقعاً در ناخوشی و خوشی یکدیگر شریک‌اند و واقعاً در عذاب و سعادت یکدیگر شریک هستند.

در این دنیا قانون و قاعده علمی هم ایجاب می‌کند که اگر جناحی از اجتماع، آن قدر فاسد شد که توانست بلایی را به سوی اجتماع بکشد، این بلا شامل افراد دیگر هم می‌شود و سالم و ناسالم را با هم می‌گیرد. در این دنیا، تر و خشک با هم می‌سوزند، منتها از نظر آن‌ها که به اصطلاح خشک‌اند، یعنی آماده سوختن هستند، عذاب الهی است و شاید در آن دنیا هم دنباله داشته باشد؛ ولی از نظر آن‌ها که استحقاق نداشته‌اند، مصیبت و ابتلا است و در آن دنیا به آن‌ها اجر داده می‌شود» (مطهری، ۱۳۶۸: ج ۱ / ۳۳۰-۳۲۹).

بنابراین، سخن کسانی که گناه را مربوط به خویش دانسته و از امر به معروف و نهی از منکر به خشم می‌آیند، خارج از منطق است؛ چرا که عقل و منطق حکم می‌کند آلودگی فرد، خواسته یا ناخواسته، جامعه را نیز آلوده می‌کند.

### فساد در جامعه

بدون شک، هر کار خلافی در وضع جامعه و از طریق آن در وضع افراد اثر می‌گذارد، و باعث نوعی فساد در سازمان اجتماعی می‌شود. گناه و کار خلاف و قانون شکنی، همانند یک غذای ناسالم و مسموم است که در سازمان بدن انسان چه بخواهیم و چه نخواهیم تأثیر نامطلوب خواهد گذارد، و انسان، گرفتار واکنش طبیعی آن می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (روم / ۴۱). «فساد، در خشکی و دریا به سبب کارهایی که مردم انجام داده‌اند، آشکار شده است. خدا می‌خواهد نتیجه بعضی اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید (به سوی حق) بازگردند».

امام باقر(ع) می‌فرماید: «وَجَدْنَا فِي كِتَابِ رَسُولِ اللَّهِ ۹ إِذَا ظَهَرَ الزَّنَا مِنْ بَعْدِي كَثُرَ مَوْتُ الْفَجَاءَةِ وَإِذَا طُفِّفَ الْمِكْيَالُ وَالْمِيزَانُ أَخَذَهُمُ اللَّهُ بِالسِّيْنِ وَالنَّفْسِ وَإِذَا مَنَعُوا الزَّكَاةَ مَنَعَتِ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا مِنَ الزَّرْعِ وَالشَّمَارِ وَالْمَعَادِنِ كُلِّهَا وَإِذَا جَارُوا فِي الْأَحْكَامِ تَعَاوَنُوا عَلَى الظُّلْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِذَا نَقَضُوا الْعَهْدَ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ عَذَابَهُمْ وَإِذَا قَطَعُوا الْأَرْحَامَ جُعِلَتِ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ وَإِذَا لَمْ يَأْمُرُوا



بِالْمَعْرُوفِ وَلَمْ يَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلَمْ يَتَّبِعُوا الْأَخْيَارَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ شِرَارَهُمْ فَيَدْعُو خِيَارَهُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ.»  
 «در کتاب حضرت رسول ۹ یافتیم که هرگاه زنا بعد از من آشکار شود، مرگ ناگهانی زیاد می‌شود؛ و هرگاه در وزن و کیل خیانت شود، خداوند مردم را به قحطی و خشکسالی مؤاخذه می‌کند؛ و هرگاه مردم زکات ندهند، زمین، برکات خود را از زراعت، میوه‌ها و معدنها منع می‌کند؛ و هرگاه حکم ظالمانه بدهند، مردم همدیگر را بر ستم و دشمنی کمک می‌کنند؛ و هرگاه نقض عهد کنند، خداوند دشمنانشان را بر آنها مسلط می‌کند؛ و هرگاه قطع رحم کنند، اموال آنها در دست دشمنان قرار می‌گیرد؛ و هنگامی که امر به معروف و نهی از منکر نکنند، واز نیکان خاندان من پیروی نکنند، خداوند بدهایشان را بر آنها مسلط می‌سازد و نیکان هر چه دعا کنند مستجاب نمی‌شود.» (کلینی، ۱۴۲۱: ج ۲ / ۳۷۴).

### خانواده و بازدارندگی از گناه

خانواده، کانون هنجار یا ناهنجاری است. از این مرکز حیاتی و سرنوشت ساز است که بدی یا نیکی در سطح جامعه منتشر می‌شود. از این رو، همه دست اندرکاران امر تربیت معتقدند برای اصلاح اخلاق، شخصیت و روح بشر، باید کانون اصلاح؛ یعنی خانواده، پاک سازی شود؛ زیرا آب را باید از سرچشمه بست که شاعر سروده است:

ای سلیم! آب ز سرچشمه ببند که چو پر شد، نتوان بست به جوی

نخستین مرحله از مراحل شکل گیری شخصیت وجودی هر انسانی، در خانواده صورت می‌گیرد. خانواده در شکل گیری بسیاری از ویژگی های فردی؛ چه از راه وراثت و چه از راه آموزش و برنامه های تربیتی، نقش مهمی دارد. بر این اساس، خانواده ای توان تربیت فرزندان صالح را دارد که ارکان آن خانواده، دچار فقر فرهنگ دینی و بی مبالاتی در دین نباشند؛ زیرا دین داری خانواده در تربیت دینی فرزندان بسیار نقش دارد.

در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که روزی حضرت به برخی از کودکان نظر افکند و فرمود: «وای بر فرزندان و کودکان آخرالزمان از روش ناپسند پدرانشان عرض شد: یا رسول الله! از پدران مشرک؟ پیامبر فرمود: نه، از پدران مؤمن، آن‌ها که به فرزندان خود فرایض و وظایف دینی را نمی‌آموزند و هرگاه دیگران به تعلیم فرزندانشان بپردازند، ایشان را از این کار بازمی‌دارند و به برآوردن نیازهای ناچیز دنیوی شان راضی می‌شوند. پس من از آن‌ها بیزارم و آن‌ها نیز از من بیزارند» (نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۶۴/۱۵).

### راهکارهای جبران گناه و معصیت

هنگامی که انسان به این حقیقت آگاه شد که در گذشته عمر از شناخت حضرت حق آن وجود مبارکی که نعمت های آشکار و پنهان را گسترده و کامل در اختیارش قرار داده غفلت داشته و معلوماتش شد که جایگاه با عظمت نعمتها را در زندگی، که هر کدام از آن‌ها راهی به سوی خیر سعادت در دنیا و آخرت و کلیدی برای بازکردن دری از درهای رحمت و لطف حق است شناخته و اغلب نعمتهای خداوند را در راه خلاف و بیجا مصرف نمود و در نتیجه مبتلای به انواع معاصی کبیره و صغیره شده و به خسارت و زیان عظیمی دچار آمده و داغ ننگ بندگی هوا و هوس و شیطان درون و برون را پریشانی حیات خود زده برای جبران آن گذشته خفت بار گذشته، آلوده به جهل و غفلت و خطا و معصیت و اعمال ننگینی که از او صادر شده و آن حالت شیطانی و مفساد اخلاقی، واجب است وارد عرصه گاه ملکوتی توبه و فضای عرشی انابه و مدار عرفانی بازگشت به خدا گردد و خورشید زیباترین آشتی را از افق حیات خود طلوع دهد.

آری برای مایه گرفتن از رحمت واسعه و نیرو گرفتن از عنیت و جذب فیوضات ملکوتیه باید وارد راه رجوع به حق گردد و این راه با قدم دل و چراغ پرفروغ عقل و نیت خالص و پاک و عزمی محکم و استوار و جهادی عاشقانه و مستمر و حالتی مستانه و آگاهانه طی کند، تا ظاهر و باطنش از فحشا و منکرات و از فسق و فجور و از سیئات اعمال و از شرور نفس و از وسواس شیطانی و رذایل اخلاقی به طور کامل شستشو یابد و در صف پاکان و نیکان و مشتاقان و صالحان و عابدان و سالکان و راه یافتگان به حریم قرب محبوب قرار گیرد و به جای غضب رب مستحق رحمت و استحقاق عذاب دردناک قیامت شایسته جنت و بهشت عنبر سرشت شود.

این توجه و بیداری نسبت به گذشته و اینگونه قرار گرفتن در منزل توبه و انابه شستشوی ظاهر و باطن از آلودگی ها کلید آشتی با خداست از آنجا که توبه و بازگشت به حضرت حق از اعظم عبادت و از پرسودترین حالات و از پرمفعت ترین واقعیات است و بخش عظیمی از آیات کتاب حق و معارف اهل بیت -علیه السلام- به آن اختصاص یافته، لازم است شخص نایب و نادم به اموری در زمینه توبه توجه کند تا بتواند این عبادت اعظم و این حقیقت اقوام را تحقق دهد و از منابع سرشار آن بهره مند گردد. با توجه به این مطالب برای درمان گناه و جلوگیری از ارتکاب به گناه راهکارهایی را بیان کرده ایم که عبارتند از: نماز، نماز جمعه، روزه، صدقه، حج، جهاد، ایمان و عمل صالح، پرهیز از گناهان بزرگ، توبه، محبت اهل بیت، زیارت قبور اهل بیت « علیهم السلام » است.

### بحث و نتیجه گیری

هر گناهی دارای آثار نکبت‌بار و سختی برای انجام‌دهنده آن می‌باشد و هر مصیبتی که به انسان گناهکار برسد، عاملش گناه و معصیت است. ولی این مصیبتها و بلاها و سختی‌ها برای اهل تقوی و ورع ارتقاء درجه و امتحان می‌باشد و نیز نتیجه دیگر اینکه هرگاه بندگان مرتکب گناهی شوند که قبلاً آن گناهان را انجام نمی‌دادند، خداوند بلاهائی بر آنان می‌فرستد که قبلاً آن بلاها را نمی‌شناختند مانند بیماریهای عصر حاضر مانند ایدز، هپاتیت و در حال حاضر بیماری کووید ۱۹ که انواع مختلف دارد و غیره که شاید سال ها بعد خداوند انسان ها را به بیماری های جدید مبتلا سازد که هنوز کسی به آنها مبتلا نشده است. با توجه به مطالب گفته شده، اعمال انسان چه خوب باشد و چه بد، دو صورت دارد: یک صورت دنیوی که ما آن را می‌بینیم و یک صورت اخروی که از چشم ما پنهان است. ولی هر دو صورت مرتبط با عمل و نتیجه عمل انسان است که ظهور و بروز اثر وضعی آن در دنیا بر اساس رابطه علی و معلولی است و در آخرت به صورت تجسم عمل ظاهر می‌شود. برای مثال؛ خوردن شراب در دنیا مستی می‌آورد و در آخرت به شکل متناسب با آن جهان بروز می‌کند؛ اما این که بگوییم همه گناهان دارای اثر وضعی در همین دنیا است، برای ما ثابت نیست؛ ولی به طور قطع می‌توان گفت بعضی از گناهان، اثرات وضعی ناگواری در همین جهان برای ارتکاب کننده به وجود می‌آورند و آثار وضعی آن، متناسب با هر گناهی در فرد و جامعه قابل بررسی است. در این باره شواهد تاریخی، کشفیات علمی، پزشکی و اشاراتی در منابع اسلامی فراوان است. پس از شناخت گناه و ریشه‌های آن باید به کنترل آن پرداخت. خطوط کلی کنترل گناه را می‌توان در این امور خلاصه کرد:

۱. تفکر.
  ۲. توجه به حضور خدا در همه جا.
  ۳. خودشناسی و توجه به شخصیت خود.
  ۴. ایمان به معاد و روز حساب.
  ۵. توجه به عرض اعمال به پیشوایان.
  ۶. نزدیک دیدن مرگ.
  ۷. ترس از عواقب گناه
  ۸. توجه به نقش عبادت و ترک معصیت.
- تفکر در عاقبت گناه، عامل توبه است. تفکر در فنای دنیا، عامل زهد است. تفکر در نعمت‌ها، عامل حبّ خداست. تفکر در حوادث عبرت آموز، عامل تواضع است. تفکر در مرگ عامل کنترل هوس‌های نفسانی است. تفکر در احوال بزرگان، عامل مقایسه و رشد است. تفکر در عواقب کار، عامل مصونیت از گناه است. تفکر در عذاب الهی، عامل خوف از خداست. تفکر در ضعف‌ها، عامل توکل است. تفکر در تاریخ، عامل عبرت است. تفکر در آفریده‌ها، عامل ایمان به خدا است. تفکر در مفاسد اخلاقی، عامل تهذیب است. تفکر در سختی‌های دیگران، عامل استقامت است. تفکر در نیکی و مهربانی‌های والدین، عامل احسان به آنها است.
- از خصوصیات فکر و اندیشه این است که؛ فکر عبادتی بی‌ریا است، زیرا پیدا نیست تا ریا بردار باشد. فکر عبادتی بی‌وسيله است، هرچیز مانند نماز و حج، نیاز به وسیله مانند مهر، لباس، وسایل نقلیه و ... دارد. ولی فکر به وسیله نیاز ندارد. به طور کلی

تفکر صحیح، مستقیم یا غیرمستقیم، عامل بازدارنده از انحرافات و گناهان می‌شود، و همچون آینه صاف، نشان‌دهنده زیبایی‌ها و زشتی‌ها است؛ چنان‌که حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «الْفِكْرُ مِرَاةٌ صَافِيَةٌ؛ فکر آینه صاف است». ایمان به خدا و یاد او در همه حال، و اعتقاد به اینکه همه در محضر خداییم، از اساسی‌ترین اهرم‌های بازدارنده از گناه است. نقشی که این عقیده در کنترل انسان و جلوگیری از طغیان غرایز حیوانی دارد، هیچ چیزی ندارد و قدرت ایمان به خدا و یاد او در ریشه کن کردن گناه از همه قدرت‌ها نیرومندتر است. سازمان‌های پلیسی و انتظامی با نبود ایمان و تکیه‌گاه معنوی، هرگز نمی‌توانند در اصلاح فرد و جامعه توفیق یابند.

ایمان به خدا و اعتقاد به آگاهی او بر همه چیز و حضور او در همه جا، چنان نیرویی در انسان در برابر گناه به وجود می‌آورد که او را در برابر گناهان همچون سپری فولادین، نفوذناپذیر می‌کند. نیروهای انتظامی و امنیتی، هرچند قوی و گسترده باشند، قادر به جلوگیری از گناهان مخفی نیستند و هرگز نمی‌توانند در کنترل گناهان در خلوت، نقشی داشته باشند، ولی ایمان درونی می‌تواند نقش خلل‌ناپذیری در بازداری انسان از گناهان آشکار و پنهان ایفا کند. بر همین اساس در آیات و روایات بر نقش ایمان در بازداری از گناه بسیار تکیه شده است. خداوند می‌فرماید:

«أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى»؛ آیا انسان نمی‌داند که خداوند همه کارهایش را می‌بیند؟

«إِنَّ رَبَّكَ لَبَاسِمَرِّضٍ»؛ قطعاً پروردگار تو در کمین گاه است.

«يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ»؛ خداوند چشم‌هایی را که به خیانت گردش می‌کند، می‌داند و بر آنچه در سینه‌ها پنهان است، آگاه می‌باشد.

این آیات به روشنی بیان می‌کنند که همه در محضر خدای بزرگ هستیم. در هر جا - خلوت و جلوت - هر کاری بکنیم، حتی اگر در فکر خود، مطلبی را تصور کنیم، خداوند به آن آگاه و در کمین انسان گنه‌کار است.

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می‌فرماید: «اتَّقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخَلَوَاتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ»؛ از معصیت خدا پنهانی و خلوتگاه‌ها بپرهیزید، چراکه شاهد همان دادرس است. بی‌شک غفلت و سرمستی یکی از عوامل زمینه‌ساز گناه است و یاد خدا از عوامل بازدارنده می‌باشد».

و سخن خداوند که می‌فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ»؛ پرهیزکاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند، به یاد خدا می‌افتند و بینا می‌گردند.

تذکر این نکته لازم است که در قرآن از اموری مانند: شیطان، اموال، اولاد، تجارت و تمتع بیش از حد از متاع دنیا، به عنوان عوامل غفلت و مانع ذکر، سخن به میان آمده است؛ بنابراین ذکر خدا، وقتی ثمربخش و بازدارنده از گناه است که حجاب‌های غفلت پیش روی آن قرار نگیرد.

با بررسی آیات و روایات به این نتیجه می‌رسیم که بسیاری از مشکلات در زندگی، متأثر از معصیت الهی است و افراد، بدون در نظر گرفتن این مهم، فرد یا جامعه را مقصر مشکلات خویش می‌پندارند. علت این پندار، آن است که در برخی موارد، رابطه گناه با مصیبتی که از آن ناشی می‌شود، کم و بیش قابل درک است؛ اما در بسیاری موارد، محسوس نیست و شخص، دنبال علت دیگری می‌گردد.

گاه ارتکاب گناه سبب می‌شود انسان از انجام عبادتی محروم شود؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ الرَّجُلَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيُحْرِمُ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَإِنَّ عَمَلَ السَّيِّئِ أَسْرَعُ فِي صَاحِبِهِ مِنَ السَّكِّينِ فِي اللَّحْمِ»؛ آدمی گاهی گناه می‌کند و بر اثر آن از نماز شب محروم می‌شود. تأثیر کار زشت در انسان سریع‌تر از تأثیر کار در گوشت است.

خلاصه آنکه بسیاری از مشکلات اجتماع ما ناشی از گناه و بی‌مبالاتی‌هایی است که در سالهای اخیر با وسایل جدید و البته با تبلیغات دشمنان در اختیار همگان، به ویژه جوانان قرار گرفته است.

بر مریبان و مبلغان است تا طرز استفاده صحیح و شایسته از این وسایل و ابزار را به همگان، به ویژه جوانان یادآور شوند، آنان را از عواقب گناهان شایع و جدید آگاه کنند، و راههای جلب توجه و عنایت پروردگار را یادآور شوند. چرا که گسترش بدحجابی، دوستیهای پسران و دختران و نیز استفاده مخرب و فاسدکننده از وسایلی همچون: موبایل، اینترنت و... جامعه را به

انحطاط خواهد کشاند و خداوند متعال، وعده نداده است این نعمت نظام اسلامی را برای همیشه حفظ کند؛ چنان که طبق روایات متعددی از پیشوایان معصوم: برخی گناهان، باعث تسلط اشرار و ستمگران بر جامعه است. یکی از عوامل بازدارنده گناه این است که انسان شخصیت خود را بشناسد و به آن توجه داشته باشد، چراکه وقوع بخشی از گناهان به این خاطر است که انسان به ارزش خود پی نبرده است.

- ۱- روحانیون در سخنرانی‌های خود اثرات گناه را بیان کنند، تا مردم با این موضوعات و مسائل آشنا شوند.
- ۲- برای آشنایی بیشتر مردم نسبت به مسئله گناه مسائل مربوط به این موضوع را در بروشورهایی تنظیم کرده و در سطح شهر پخش شود.
- ۳- فراهم کردن کتاب‌هایی با این موضوع در کتابخانه‌ها برای مطالعه جوانان.
- ۴- مطالب موجود در رابطه با گناه در کتاب دینی سال اول دبیرستان‌ها آورده شود.
- ۵- تهیه فیلم با موضوعاتی در رابطه با گناه از آنجا که پربیننده‌ترین رسانه تلویزیون می‌باشد، می‌توان با تهیه فیلم‌هایی در این رابطه مردم و بیشتر جوانان را روشن و آگاه کرد.
- در پایان لازم به ذکر است که در تحقیق پیرامون موضوعات قرآن و روایتی تخصصی در زمینه علوم قرآن و حدیث بیش از آنچه ما در این مقطع تحصیلی داریم، نیاز می‌باشد.
- ۶- تولید محتوا و تهیه کلیپ و فیلم کوتاه با موضوعاتی در رابطه با گناه و پخش در فضای مجازی (شبکه‌های اجتماعی) جهت آگاه‌سازی مردم از عواقب گناه علی‌الخصوص جوانان
- ۷- تهیه موشن گرافیک و پوستر آثار فردی و اجتماعی گناه و نصب در مجامع عمومی و ارسال در شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی

## منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم
۲. آخوندی، محمد. الکافی. (۱۴۰۷ ق). ناشر: دارالکتب الاسلامیه. تهران- ایران.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵). الخصال. ترجمه یعقوب جعفری. تهران: اندیشه هادی.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۲) ثواب الاعمال و عقاب الاعمال. ترجمه: محمدرضا انصاری محلاتی، انتشارات نسیم کوثر، قم.
۵. ابن ابی فراس، ورام، بی تا. تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام)، قم، مکتبه الفقیه.
۶. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد. (۱۳۶۷). النهایة فی غریب الحدیث و الأثر. تحقیق و تصحیح: محمود محمد طناحی و طاهر احمد زاوی. چاپ چهارم. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۷. ابن فارس، احمد. (۱۴۲۲ ق.). معجم مقاییس اللغه. الطبعة الأولى. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۸. ابن جمعه العروسی الحویزی، عبد علی (۱۴۱۵ ق.). نور الثقلین. قم، اسماعیلیان.
۹. اسحاقی، حسین. (۱۳۸۶). گناه‌گریزی، قم: دفتر عقل، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۱۰. بروجردی، سید حسین. جامع احادیث الشیعه فی احکام الشریعه. ج ۱۳. انتشارات؛ مطبعه المساحه، تهران.
۱۱. بدوانی، عبدالقادر بن ملوک شاه. (۱۳۸۱). نهج الفصاحه. تهران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۲. بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ ق.). أنوار التنزیل و أسرار التّأویل. الطبعة الأولى. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۳. تاجدینی، علی. (۱۳۸۲). فرهنگ جاویدان/المیزان. چاپ اول. تهران: نشر مهاجر.
۱۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد. (۱۴۲۹). غرر الحکم و درر الکلم. قم: انتشارات دارالکتب الاسلامی.
۱۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد. (۱۳۸۰). غرر الحکم، ترجمه ی محمدعلی انصاری، ویرایش و تصحیح مهدی انصاری قمی، بی جا، ناشر: امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ اول، زمستان.
۱۶. تمیمی آمدی، عبد الواحد. (۱۳۶۶). غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

۱۷. پاکدل کاشمیری، حسین (۱۳۷۴). راه بازگشت به بندگی خدا، انتشارات آداب، چاپ اول.
۱۸. پور همت، سهراب (۱۳۷۸). آثار گناهان، چاپخانه انتشارات اسلامی.
۱۹. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۵). نهج الفصاحه، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۰. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۲۴). نهج الفصاحه. جلد ۱، سازمان انتشارات جاویدان.
۲۱. جفری، آرتور (۱۳۷۲). واژه‌های دخیل در قرآن. ترجمه فریدون بدره‌ای. چاپ اول. تهران: انتشارات توس.
۲۲. جوهری، اسماعیل بن حماد. (بی‌تا). الصحاح (تاج اللغه و صحاح العربیة). تحقیق و تصحیح احمد عبدالغفور عطار. الطبعة الأولى. بیروت: دار العلم للملایین.
۲۳. دستغیب، عبدالحسین (۱۳۷۸). گناهان کبیره، انتشارات اسلامی.
۲۴. دشتی، محمد (۱۳۷۹). نهج البلاغه، بی جا، ناشر، انتشارات نسیم حیات، چاپ دوم.
۲۵. درایتی، مصطفی (۱۳۶۶). ترجمه تصنیف غرر الحکم و درر الکلم. ناشر: مرکز نشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی. قم.
۲۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵). لغت نامه/ فرهنگ متوسط دهخدا زیر نظر دکتر سیدجعفر شهیدی، جلد ۲، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۷. رسولی محلاتی، سیدهاشم (۱۳۸۱). کیفر گناه و عواقب خطرناک آن، ناشر: نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هفدهم.
۲۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. المفردات فی غریب القرآن، بیروت، ناشر: مکتبه نزار مصطفی الباز.
۲۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (بی‌تا). المفردات. تهران: دفتر نشر کتاب.
۳۰. رشیدرضا، محمد (۱۳۵۷). تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار. بیروت: بی‌نا.
۳۱. رضی الدین حسن بن فضل طوسی (۱۳۸۱). مکارم الاخلاق، انتشارات بعثت، ص ۱۱۷.
۳۲. شریعتمداری، جعفر (۱۳۷۲). شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه. چاپ اول. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۳۳. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۴۰۶ق). تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن. الطبعة الأولى. بیروت: دار المعرفة.
۳۴. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. چاپ پنجم. قم: نشر فرهنگی رجاء.
۳۵. طیبی شبستری، احمد (۱۳۵۴). اخلاق، انتشارات رضا.
۳۶. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تحقیق و تصحیح احمد حسینی اشکوری. چاپ سوم. تهران: انتشارات مرتضوی.
۳۷. طوسی، رضی الدین حسن بن فضل (۱۳۷۹). مکارم الاخلاق، انتشارات امیر کبیر.
۳۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۸). تهذیب الاحکام. نجف: انتشارات حسن موسوی خراسان.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۲۱ ق.). اصول کافی، ج ۲، تهران: انتشارات: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ ق.). الفروع الکافی. محقق و مصحح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۷۹). اصول کافی، جلد ۵، او ۲ با ترجمه و شرح فارسی محمدباقر کمره ای، ناشر: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ اول.
۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۴۳. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (۱۳۶۱). نضد القواعد الفقیه. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت ا... العظمی مرعشی نجفی (ره).
۴۴. فخرالدین رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق.). مفاتیح الغیب. الطبعة الثالثة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۵. فخر الدین رازی، محمد بن عمر (۱۴۰۱ق.). تفسیر فخر رازی. ج ۲۰، بیروت: انتشارات دارالفکر.

۴۶. فرنام، علی. کیا، سمانه. خلیلی، عصمت. (۱۳۹۷). تحلیل آثار و پیامدهای معنوی، روانی، جسمانی و اجتماعی گناه بر سلامت جسم و روح از منظر قرآن و روایات. فصلنامه علمی - پژوهشی قرآن و طب، دوره ۴، شماره ۲، ۱۰۹-۱۰۲.
۴۷. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (بی تا). *القاموس المحيط*. چاپ اول. بیروت: دار الکتب العلمیة.
۴۸. فیضی تبریزی، کریم. (۱۳۸۴). امالی، شیخ صدوق. ناشر: وحدت بخش.
۴۹. فیض کاشانی، ملا محمد حسن. (۱۳۸۳). *المحجبه البیضاء فی تهذیب الاحیاء*. تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵۰. قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۶۷). *قاموس قرآن*. چاپ پنجم. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۵۱. قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله (۱۴۰۹ق). *قصص الانبیاء*. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی.
۵۲. قمی، ابن قولویه. (۱۴۱۷ق). *کامل الزاریات*. نشر الفقاهه.
۵۳. کلانتری، الیاس. (۱۳۶۳). *لغات قرآن در تفسیر مجمع البیان*. چاپ اول. تهران: انتشارات بیان.
۵۴. گلشنی، مهدی. (۱۳۹۸). علم و دین در افق جهان بینی توحیدی، تهران: دانشگاه خواجه نصیر الدین طوسی.
۵۵. عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۵۶. عاملی، حر. (۱۴۱۴ق). *وسائل الشیعه*. ج ۵، انتشارات آل بیت.
۵۷. عمید، حسن. (۱۳۷۸). *فرهنگ فارسی عمید*، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ ۸۵.
۵۸. عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰). *تفسیر العیاشی*. تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
۵۹. متقی، علی بن حسام الدین. (۱۴۱۹ق). *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، بیروت: انتشارات دار الکتب العلمیه.
۶۰. مجلسی، محمدباقر. بهبودی، محمد باقر. (۱۳۷۵). *بحار الانوار*، جلد ۷۱، قم: انتشارات اسلامیة.
۶۱. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*، چاپ دوم، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۶۲. محسنی، محمد آصف. (۱۴۳۴ق). *معجم الأحادیث المعتره*. نشر ادیان، قم.
۶۳. محمدی اشتهاودی، محمد. (۱۳۷۶). *داستان دوستان*. جلد ۲، قم: بوستان کتاب.
۶۴. محمدی ری شهری، محمد. (۱۴۱۶ق). *میزان الحکمه*. دار الحدیث، چاپ اول.
۶۵. محمدی ری شهری، محمد. (۱۴۲۴ق). *دانشنامه امیر المؤمنین علیه السلام بر پایه ی قرآن، حدیث و تاریخ*. جلد ۱-۱۳، قم: انتشارات دار الحدیث.
۶۶. محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۹۳). *حکمت نامه رضوی*. مترجم؛ حمیدرضا شیخی. تهران: انتشارات دارالحدیث، ۱۳۹۳.
۶۷. محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۴). *میزان الحکمه*، تهران: انتشارات دار الحدیث.
۶۸. محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۴). *دنیا و آخرت از دیدگاه قرآن و حدیث*. جلد ۲، قم: انتشارات دار الحدیث.
۶۹. محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۳). *ماه خدا*. ترجمه؛ جواد محدثی، قم: دارالحدیث.
۷۰. مشکینی اردبیلی، علی. بی تا. *قصار الجمل*، بی جا، بی تا.
۷۱. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۸). *اسلام و مقتضیات زمان*. جلد ۱، تهران: انتشارات صدرا.
۷۲. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۵۳). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۷۳. ورام، مسعود بن عیسی. (۱۳۸۵). *مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام* (جلد ۲). مترجم؛ رضا عطایی. ناشر: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.
۷۴. ورام، مسعود بن عیسی. (۱۳۶۹). *مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام* (جلد ۱). مترجم؛ رضا عطایی. ناشر: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.
۷۵. مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۶۶). *آموزش فلسفه*، چاپ دوم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۷۶. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۷۷. نراقی، محمد مهدی. (۱۴۰۸ ق). جامع السعادات. بیروت، ناشر: اعلمی، ج ۱.
۷۸. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ ق). مستدرک الوسائل. قم، مؤسسه آل البيت، لاهياء التراث.